خبر

گلستان ۶۸ هزار بی سواد دارد

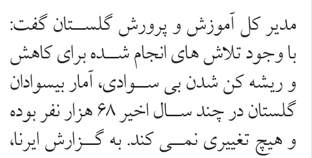

مدیر کل آموزش و پرورش گلستان گفت: با وجود تلاش های انجام شده برای کاهش و ریشه کن شدن بی سوادی، آمار بیسوادان گلستان در چند سال اخیر ۶۸ هزار نفر بوده و هیچ تغییری نمی کند. به گزارش ایرنا، احسان گوهری راد در کارگروه تخصصی زنان و خانواده استان اظهار کرد: تلاش برای جلوگیری از ترک تحصیل افراد در مقطع ابتدایی موفقیت آمیز بوده و هم اینک بیش از ۹۸ درصد افراد واجد شرایط این رده سنی مشغول تحصیل هستند. وی بیان کرد: مشکل ادامه تحصیل مربوط به مقطع متوسطه اول و دوم است که آمار ترک تحصیل در این رده فراوان و نگران کننده است. مدیر کل آموزش و پرورش گلستان افزود: مشکلات اقتصادی و فرهنگی از عوامل عمده در ترک تحصیل افراد دراستان است که حل این مشکل به همراهی و همکاری دیگر ارگان ها نیاز دارد. گوهری راد ادامه داد: تلاش های بسیاری برای بازگشت دانش آموزان ترک تحصیل کرده به مدارس انجام شده، اما استمرار مشکلات فرهنگی و اقتصادی و نبود آمادگی کامل ذهنی در این افراد مانع از این اقدام است. وی گفت: هر سال تعداد زیادی از ترک تحصیل کردگان به مدارس برمی گردند اما به همان اندازه عده دیگری به دلیل مشکلات مختلف تحصیل را ترک می کنند. در سال تحصیلی جاری افزون بر ۳۲۰ هزار نفر در مدارس استان گلستان مشغول فراگیری علم و دانش هستند.

همسر آزاری زنان گلستانی گزارش نمی شود

مدیرکل بهزیستی گلستان گفت: باوجود اثبات همسرآزاری، مردان آزار و اذیت های انجام شده توسط همسران خود را به اورژانس های اجتماعی گزارش نمی کنند. به گزارش ایرنا، ابراهیم غفاری در کارگروه تخصصی زنان و خانواده استانداری گلستان اظهار کرد: پارسال ۱۲۱ مورد همسرآزاری در پایگاه های اورژانس اجتماعی گلستان ثبت شد که همه آنها گزارش زنان از آزار و اذیت های جسمی، جنسی و عاطفی توسط مردان بود.وی بیان کرد: اگر چه همسرآزاری توسط زنان در گلستان وجود دارد، اما به دلیل ثبت نشدن رسمی آنها نمی توان آمار دقیقی اعلام کرد. مدیرکل بهزیستی گلستان افزود: بر اساس بررسی های انجام شده در خصوص همسرآزاری های سال گذشته سواد و تحصیلات مردان همسرآزار دیپلم و یا کمتر از آن بود.غفاری ادامه داد: آمارهای اعلام شده برای این آسیب و یا دیگر مشکلات اجتماعی فقط براساس اطلاعات ثبت شده در مراکز دولتی است، اما مصادیق و تعداد واقعی آنها در جامعه به مراتب بیشتر و نگران کننده تر است. وی گفت: همچنین پارسال ۱۱۲ مورد کودک آزاری در گلستان به ثبت رسید که ۸۸ مورد توسط پدر، ۲۲ مورد توسط مادر و بقیه توسط اقوام و غریبه ها انجام شده بود. مدیرکل بهزیستی فرار از منزل را یکی دیگر از آسیب های اجتماعی در گلستان اعلام کرد و گفت: پارسال ۳۹ دختر از خانه فرار کردند که پس از پیدا شدن، ۳۵ نفر تحویل خانواده ها شده و ۴ نفر دیگر در مراکز بازپروری بهزیستی پذیرش شدند.

یکهزار و ۳۵۰ کمباین کلزای گلستان را برداشت می کنند

رئیس اداره فناوری های مکانیزاسیون کشاورزی سازمان جهادکشاورزی گلستان گفت: یکهزار و ۳۵۰ دستگاه کمباین این استان مجهز به هِد مخصوص برداشت دانه روغنی کلزا بوده و فعالیت آنها از هفته قبل درمزارع زیرکشت این محصول در گلستان آغاز شده است.عید محمد فاروقی در گفتگو با ایرنا اظهار کرد: سال قبل ۳۶ دستگاه هِد مخصوص برداشت کلزا جهت نصب روی کمباین ها به متقاضیان در استان از طریق پرداخت کمک بلاعوض به ازای هر دستگاه ۴۰ میلیون ریال واگذار شد. به گفته وی؛ قیمت هر دستگاه هِد مخصوص برداشت کلزا از ۶۰ تا ۱۵۵ میلیون ریال متغیر است.فاروقی افزود: در گلستان از دو هزار و ۷۰۰ دستگاه کمباین موجود، ۵۰ درصد مجهز به هِد مخصوص بوده و مشکلی در برداشت محصول کلزا در استان وجودندارد.طبق اعلام حمیدرضا علی محمدی مدیر کل شرکت غله و خدمات بازرگانی گلستان به ایرنا، خرید تضمینی دانه روغنی کلزا از طریق ۵۰ مرکز دایر شده با مباشرت تعاون روستایی در استان در حال انجام بوده و در یک هفته اخیر ۱۱ هزار و ۶۴۰ تن محصول تحویل این مراکز شده است.

بی ثباتی قیمت کالاها در ماه رمضان

آمارها نشان می‌دهد بعضی از اقلام خوراکی در ماه رمضان افزایش یافته و مردم از این وضعیت گلایه‌مند هستند. به گزارش مهر، بررسی ها نشان می دهد شاهد افزایش آرام قیمت‌ها در بازار هستیم به طوری که در ماه رمضان، قیمت برخی اقلام پر مصرف در این ماه افزایش یافته است. گوشت قرمز و سفید از اسفند ماه سال گذشته آهنگ رشد قیمت ملایمی را در پیش گرفت به طوری که چندی پیش رئیس اتحادیه مرغداران کشور هم اعلام کرد که قیمت مرغ تا یک‌ماه آینده به ۹ هزار تومان خواهد رسید و اگرچه هنوز اعمال نشده است اما احتمال گرانی آن در روزهای آینده دور از ذهن نیست. در این بین شیر، پنیر و تخم مرغ آهنگ نسبتا ثابتی داشته، اما در عین حال در ماه‌های اخیر تخم مرغ با جهش قیمتی رو برو شد که با مداخله در بازار روند آن متوقف شده است. مراجعه به بازار و گفتگو با مردم ثابت می کند که آن ها از وضعیت فعلی گلایه دارند. یک شهروند گرگانی که در خیابان امام خمینی مشغول بررسی کالای های مورد نیاز خود است گفت: به دلیل افزایش چشمگیر قیمت ها نسبت به سال گذشته توانایی تهیه بسیاری از اقلام مورد نیاز خود برای ماه رمضان را ندارد.

بلاتکلیفی در اعلام قیمت شیرینی‌های ماه رمضان

رئیس اتحادیه قنادان و بستنی فروشان گرگان با بیان اینکه بر خلاف سال‌های گذشته هنوز نرخ شیرینی ها از جمله زولبیا و بامیه ماه رمضان اعلام نشده است، گفت: به دلیل نوسانات موجود در بازار و نامعلوم بودن نرخ تخم مرغ، شکر و روغن قیمتی برای این اقلام مشخص نشده است.حسینعلی رادمهر افزود: تورم موجود در بازار موجب شده تا هر سال در ماه رمضان قدرت خرید مردم کاهش پیدا کند و تخمین زده می‌شود که با شرایط فعلی بازار، استقبال زیادی از بازار خرید ماه رمضان صورت نگیرد. وی افزود: قنادان هم به دلیل نابسامانی وضعیت موجود با فروش بسیار کمی روبرو هستند و بر خلاف سال‌های گذشته بسیاری از آنان میزان پخت های خود را کاهش داده اند.

احتمال افزایش مجدد قیمت گوشت قرمز

رئیس اتحادیه قصابان گرگان هم با بیان اینکه از ابتدای سال جاری تا کنون قیمت گوشت قرمز ۱۰ هزار تومان افزایش پیدا کرده است، گفت: به دلیل همخوانی نداشتن میزان عرضه و تقاضا بازار گوشت با افزایش قیمت باورنکردنی روبرو شد. یوسف اسدی افزود: قبل از گرانی ارز، گوشت‌های وارداتی بخشی از مشکل کمبود گوشت تهران را حل می‌کرد که با افزایش یکباره دلار و کاهش عرضه پای بسیاری از دلالان به بازار دام گرگان و گنبد باز شد. وی ادامه داد: خرید دام های استان توسط دلالان تهرانی، بازار دام گلستان را با مشکل کاهش عرضه و افزایش تقاضا مواجه کرده و این احتمال می‌رود که با فرارسیدن ماه رمضان و افزایش تقاضا، با افزایش مجدد قیمت گوشت مواجه شویم. اسدی افزود: مسئولان استانی و کشوری باید راهکاری جدی برای مقابله با این مشکل و تامین گوشت بازار تهران بیاندیشند.

بلاتکلیفی بازار حبوبات و خشکبار

رئیس اتحادیه خوار و بار لبنیات گرگان هم با گلایه مندی از اوضاع نابسامان بازار قیمت‌ها گفت: حبوبات از کیلویی ۷ هزار تومان به بالا قیمت دارد و وضعیت شیر و پنیر هم نامشخص است. رمضان احمدی افزود: این اوضاع نابسامان نه فقط مردم را دچار مشکل کرده، بلکه کسبه را با کاهش فروش مواجه کرده است و کسبه هم برای تامین اقلام توان خرید نقدی از برخی شرکت های تولیدی را ندارند. احمدی اظهار کرد: وضعیت فعلی راه را برای برخی افراد سودجو در بازار فروش اقلام اساسی مردم در ماه رمضان هموار می‌کند و این افراد با فروش محصولات نامرغوب و یا در انبار مانده به قیمت پائین تر سلامت مردم را به خطر می‌اندازند. بر خلاف افزایش برخی اقلام اساسی مورد نیاز مردم در ماه رمضان، برنج داخلی و وارداتی از افزایش قیمت سر سلامت برده است، به طوری که رئیس اتحادیه برنج فروشان گرگان از کاهش تدریجی قیمت این کالای پر مصرف خبر داد.تقی سلامت گفت: از ابتدای سال تا کنون برخلاف قیمت برخی اقلام، قیمت برنج وارداتی و داخلی کاهش زیادی داشته و همچنان هم رو به ارزانی است. وی افزود: در حال حاضر هر کیلو برنج وارداتی از کیلویی هفت هزار و ۷۰۰ تومان به ۶ هزار تومان و هر کیلو برنج مرغوب تولید داخل از ۱۱ هزار تومان در هر کیلو به ۸ هزار تومان کاهش پیدا کرده است.

نظارت ۱۴۰ بازرس بر بازار کالاهای اساسی

در این میان، برای کنترل بازار و همچنین نظارت بر عدم افزایش قیمت این کالاها، دستورالعمل طرح نظارتی از سوی وزارت صنعت، معدن وتجارت به واحدها و ادارات بازرسی و نظارت ایام ماه مبارک رمضان ابلاغ شده است. براساس این دستورالعمل کشوری، هرگونه تخلف اعم از گرانفروشی، عدم درج قیمت، عدم صدور فاکتور و تخلف در مورد فروش اقلام مربوطه با برخورد واحدها و ادارات بازرسی و نظارت ایام ماه مبارک رمضان روبه‌رو خواهد شد. بر همین اساس معاون بازرسی و نظارت صنعت و معدن گلستان هم از حضور بازرسان در بازارهای استان طبق روال سال‌های گذشته خبر داد و اعلام کرد: برنامه تنظیم بازار ماه رمضان از هم اکنون اجرائی شده است. درویش علی حسن زاده گفت: تعداد ۱۴۰ بازرس متشکل از صنعت و معدن و اصناف گلستان بر بازار فروش اقلام ماه رمضان نظارت می‌کنند. وی افزود: یکی از راه‌های ممانعت از سودجویی دلالان بازار ماه رمضان همکاری مردم با بازرسان و اعلام تخلفات فروشندگان و یا کم فروشی آنان است که می‌توانند با اعلام شکایت به شماره ۱۲۴ متخلفان را معرفی کنند.

توزیع ۴ قلم کالای اساسی در بازار گلستان

مدیر توسعه بازرگانی سازمان جهاد کشاورزی گلستان هم با بیان اینکه هرساله تدابیر جدیدی برای کنترل بازار اقلام ماه رمضان اندیشیده می‌شود، گفت: این تدابیر در راستای عرضه اساسی‌ترین اقلام مورد نیاز مردم به فروشگاه‌های زنجیره‌ای در دستور کار دبیرخانه تنظیم بازار جهاد کشاورزی قرار می‌گیرد. سعید حسن پور افزود: این دبیرخانه موظف است یک روز مانده به شروع ماه رمضان کالاهای اساسی مردم را برای تنظیم بازار در فروشگاه‌های طرف قرارداد عرضه کند. وی بابیان اینکه وزارت جهاد کشاورزی با اقلام درخواستی این دبیرخانه موافقت کرده است، ادامه داد: ۳۵۰ تن مرغ منجمد، ۴۰ تن گوشت قرمز، ۴۶۷ تن روغن نباتی و ۴۶۷ تن شکر سهمیه به استان اختصاص یافته است.مدیر توسعه بازرگانی سازمان جهاد کشاورزی گلستان تصریح کرد: تخم مرغ وارداتی هم در بین اقلام حمایتی ماه رمضان گنجانده شده است ولی به دلیل حساسیت مسئولان در توزیع این تخم مرغ‌ها و بحث سلامت مردم، تصمیم جدی برای توزیع آن اتخاذ نشده و احتمال می‌رود این کسری از بازار داخل استان تامین شود.به گفته حسن پور در حال حاضر برنج که جزو چند اقلام پر مصرف ماه رمضان است در این لیست قرار نگرفته و دلیل اصلی آن کاهش قیمت برنج های وارداتی و داخلی است. فارغ از هرگونه اظهار نظر در خصوص این گرانی ها (کمبود مواد غذایی یا افزایش تقاضا) نمی توان این واقعیت را از نظر دور داشت که گرانی برخی از محصولات و اقلام غذایی خاص در آستانه ماه رمضان، شب یلدا، نوروز برای نخستین بار نیست که تجربه می شود و پیش از این هم به کرات شاهد چنین تنش های قیمتی در بازار عرضه و تقاضا بوده ایم.

تحقق ۱۰۰ درصدی درآمدهای عمومی گلستان در سال ۱۳۹۶

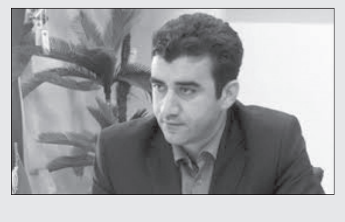

مدیر کل امور اقتصادی و دارایی گلستان و دبیر کارگروه درآمد و تجهیز منابع استان در نخستین جلسه کارگروه درآمد و تجهیز منابع استان در محل سالن جلسات استانداری استان از تحقق ۱/۱۰۰ درصدی درآمدهای عمومی گلستان در سال ۱۳۹۶ خبر داد. به گزارش روابط عمومی اداره کل، داود طبرسا در اولین جلسه کارگروه درآمد و تجهیز منابع استانی، با ارائه گزارشی از عملکرد درآمدهای عمومی استان در سال ۹۶ و مقایسه آن با عملکرد سال قبل افزود: در ۱۲ماهه سال ۹۶ از مبلغ ۴۶۲ میلیاردو ۶۱۱ میلیون تومان مصوب درآمدها تحقق ۴۶۳ میلیاردو ۲۷۴ میلیون تومان وصولی در استان را داشته ایم که از این میزان مبلغ ۴۱۹ میلیارد و ۱۸۹ میلیون تومان معادل ۹۰ درصد به درآمدهای مالیاتی اختصاص داشته است. به گفته وی تاپایان اسفند ۹۶ حدود ۱/۱۰۰ درصد درآمد مصوب یکساله در گلستان وصول شده است که نسبت به یکساله ۹۵ به میزان ۸/. درصد کاهش را نشان می دهد. وی تصریح کرد: میزان درآمد مالیاتی مصوب استانی در سال گذشته ۳۸۱ میلیارد تومان بوده که مبلغ ۴۱۹ میلیارد تومان تحقق درآمد مالیاتی داشته ایم که نسبت به مصوب استانی ۱۱۰ درصد تحقق درآمد مالیاتی را شاهد بوده ایم که نسبت به یکساله ۹۵ به میزان ۹/. درصد رشد نشان می دهد. ایشان ضمن تشریح درآمدهای مالیاتی استان اظهار داشت: بیشترین سهم درآمدهای مالیاتی به مالیات بر درآمد با ۱۴۸ میلیارد و ۴۴۵ میلیون تومان و کمترین به مالیات برثروت با ۲۰میلیارد و ۳۰۴ میلیون تومان تعلق دارد که از کل درآمدهای مالیاتی ۳۵٫۴ درصد آن به مالیات بر درآمد ۱۷درصد آن به مالیات بر شرکتهای غیر دولتی و ۴۲٫۷ درصد آن مالیات بر کالا وخدمات و ۴٫۹درصد آن به مالیات بر ثروت اختصاص دارد.دبیر کارگروه درآمد و تجهیز منابع استان با تشریح سایر درآمدهای استانی که شامل درآمدهای حاصل از انحصارات و مالکیت دولت، درآمد حاصل از خدمات و فروش کالا، درآمدهای حاصل از جرائم و خسارات و درآمدهای متفرقه می‌باشد، گفت: مجموع میزان وصولی اینگونه درآمدها معادل ۴۴ میلیاردو ۴۱ میلیون تومان معادل ۱۰درصد وصولی کل درآمدها بوده است.وی در ادامه افزود: در دوازده ماهه سال ۹۶ مبلغ ۱۵۳میلیاردو ۹۳۹ میلیون تومان از محل درآمد مالیات بر ارزش افزوده موضوع ردیف درآمدی (۱۱۰۵۱۲) وصول گردیده است که این رقم معادل ۳۶٫۷ درصد از کل درآمدهای مالیاتی را تشکیل می دهد و نسبت به سال گذشته ۵۸ درصد رشد داشته و نسبت به مصوب سال ۹۶، ۱۴۸٫۶ درصد محقق گردیده است.

آگهی اجاره سوله و انبار بصورت مزایده

اداره کل اموال و املاک استان گلستان در نظر دارد

بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی

با برگزاری مزایده، سوله و انبار خود را واقع در گنبدکاووس، بلوار شهید اسودی، کارخانه نظام آباد بصورت اجاره جهت دپو غلات با شرایط ذیل واگذار نماید. علاقه مندان می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر به آدرس: گرگان، خیابان پنجم آذر، روبروی آذر هشتم، اداره کل اموال و املاک استان گلستان، واحد فروش و یا گنبد، خیابان طالقانی شرق، کوچه۱۱علوی، جنب آموزش و پرورش، دفتر نمایندگی اموال و املاک گنبد مراجعه و یا با شماره تلفن های ۰۱۷۳۲۲۳۰۸۲۴ و ۰۱۷۳۳۲۲۸۴۴۴ تماس حاصل نمایند.

۱-اخذ پاکت پیشنهادی به همراه اصل چک بانکی به میزان ۵درصد قیمت پایه انبار و سوله مورد نظر(بشرح جدول ذیل) طبق فرم شرایط شرکت در مزایده همه روزه حتی ایام تعطیل از ساعت ۸ الی ۱۸ قابل انجام است. متقاضیان می توانند تا تاریخ ۹۷/۳/۸ پاکت های پیشنهادی خود را تا ساعت ۹ صبح در محل بازگشایی در صندوق پاکات قرار دهند.

۲-بازگشایی پاکات در تاریخ ۹۷/۳/۸ ساعت ۱۰ صبح در محل اداره کل اموال و املاک استان گلستان واقع در خیابان ۵آذر، روبروی آذر هشتم طبق زمانبندی انجام خواهد شد.

۳-پیشنهادات فاقد سپرده و یا مخدوش و مبهم و مشروط از درجه اعتبار ساقط و رعایت مفاد شرایط شرکت در مزایده که از طریق دفاتر فروش ارائه می گردد الزامی می باشد. ضمناً امضاء پشت و روی فرم تقاضا ضروری می باشد.

۴-سازمان در رد و قبول پیشنهادات واصله مختار می باشد.

۵-مدت اجاره از تاریخ ۹۷/۳/۱۵ بمدت۶ ماه می باشد و در صورت موافقت بنیاد به مدت ۱/۵ ماه (۴۵روز) قابل افزایش و یا کاهش می باشد.

۶-یک درصد رقم پیشنهادی بعنوان هزینه مزایده از برندگان مزایده نقداً دریافت می گردد.

ردیف	آدرس	مساحت(مترمربع)	قیمت پایه اجاره ۶ماهه (ریال)	توضیحات
۱	گنبد - بلوار شهید اسودی کارخانه پنبه نظام آباد	۸۰۰۰	۵۷۱۲۰۰۰۰۰	سوله ضلع شمالی و بصورت یک طرف باز می باشد
۲	گنبد - بلوار شهید اسودی - کارخانه پنبه نظام آباد	۷۶۰۰	۵۷۰۰۰۰۰۰۰	سوله محوطه و بصورت چهار طرف باز می باشد.

www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر

خبر

رسانه ها با انتقاد صحیح به توسعه گلستان کمک کنند

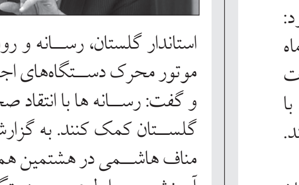

استاندار گلستان، رسانه و روابط عمومی را موتور محرک دستگاه‌های اجرایی دانست و گفت: رسانه ها با انتقاد صحیح به توسعه گلستان کمک کنند. به گزارش مهر، سید مناف هاشمی در هشتمین همایش و کارگاه آموزشی روابط عمومی دستگاه‌های اجرایی گلستان اظهار کرد: ظرفیت بسیار فراوانی در حوزه رسانه و روابط عمومی وجود دارد. وی با اشاره به اینکه در کشور به سه حوزه همچون جوانان، بانوان و رسانه کمتر توجه شده است، افزود: حوزه جوانان ازجمله حوزه‌هایی است که در کشور بسیار مظلوم واقعه شده است و همیشه جوانان را در عرصه‌های مختلف وارد صحنه کردیم امابرای مسئولیت اجرایی به آن‌ها اعتماد نداشتیم. استاندار گلستان گفت: حوزه بانوان نتوانسته به جایگاه واقعی خود دست پیدا کند و این در حالی است که ۵۰ درصد جمعیت جامعه را بانوان تشکیل می‌دهند. وی با بیان اینکه رسانه جزو حوزه‌های بسیار بزرگ، پرظرفیت و علمی است و امروز در دنیا از جایگاه بسیار خوبی برخوردار است، تصریح کرد: اکنون در داخل کشور همچنین استان رسانه را در حدی که یک خبر مختصر دهیم و یا یک گزارش آماده کند می‌شناسیم و این در حالی است که در بسیاری از جاها رسانه را به‌عنوان بازوان اصلی حوزه اقتصاد و تجارت می‌دانند. هاشمی اظهار کرد: اکنون‌که شعار حرکت به سمت توسعه را سر می‌دهیم باید رسانه را به‌عنوان ابزار قوی و بزرگ در کنار خود داشته باشیم. وی افزود: طی چند ماه گذشته در خصوص این سه موضوع شورایی در استان راه‌اندازی کردیم که قدم‌های اولیه برداشته شد اما هنوز توفیق چندانی به وجود نیامد.استاندار گلستان با اشاره به اینکه رسانه به غیر از اینکه حلقه اتصال بین مردم و مسئولان به شمار می‌آیند پیوست با مدیران هم هستند، گفت: رسانه و روابط عمومی باید همیشه در کنار مدیریت حضور داشته باشند و باید بدانیم رسانه نقش بسیار مهمی در توسعه استان به همراه دارد. وی رسانه و روابط عمومی را موتور محرک دستگاه‌های اجرایی دانست و تصریح کرد: اکنون جامعه ما نیازمند امید و نشاط است. وی بیان کرد: اگر قرار است توسعه اتفاق افتد باید امید و نشاط در جامعه ایجاد شود که تخصص این کار در حوزه رسانه است. هاشمی اظهار کرد: در بسیاری از جاها برخی از خبرنگاران به‌تنهایی کارهای بزرگی را انجام دادند و پروژه‌های لاینحل را حل کردند و ممکن است ما آموزش‌هایی که می‌دهیم کافی نیست و این‌ها مواردی است که باید در چالش‌ها رسیدگی شوند.وی افزود: هرچند کار کردن در اداره شیشه‌ای اعتقاد ما است اما در برخی از محیط‌ها خود برای یکدیگر چالش ایجاد می‌کنیم و گمان می‌کنیم اگر فردی را تخریب کنیم و از بین ببریم کار رسانه‌ای انجام داده‌ایم درصورتی‌که این اشتباه است.استاندار استان گلستان گفت: دولت تدبیر و امید دولت انتقادپذیر است اما برخی‌ها انتقاد را با تخریب اشتباه گرفتند و گمان می‌کنند اگر ساز تخریب بزنند باعث توسعه خواهد شد.وی با اشاره به اینکه باید ظرفیت‌ها را برای توفیقات بیشتر کشور کنار خود قرار دهیم و در همین جهت تلاش کنیم، تصریح کرد: امروز کشور در شرایط خاص قرار دارد که همه ما باید در مسیر وحدت حرکت کنیم چرا که دستاورد انقلاب اسلامی متعلق به یک جناح و گروه خاص نیست. هاشمی اظهار کرد: هرجایی که احساس کردیم منافع کشوری درخطر است نباید ساز تخریب بزنیم و در زمین دشمن بازی کنیم، این جزو اصول اعتقاد ما است. وی خطاب به رسانه‌ها و روابط عمومی‌های استان افزود: در برخی از جاها باید مطالبات خود را بزرگ کنیم و برخی از پروژه‌ها همچون پروژه راه‌آهن گرگان به مشهد را مطرح کنیم تا کار شروع شود، شما بازوان ما محسوب می‌شوید و در این خصوص نه اعتراض و نه انتقاد خواهم کرد چرا که این مطالبه مردم است و دولت هم قول داد.

رودخانه قره سو در غرب گلستان پر آب شد

بارندگی های چند روز گذشته در مناطق بالادستی و جنگلی گلستان و هدایت روان آب ها از طریق جوی ها و کانال های کوچک باعث شد تا رودخانه دائمی و آب شیرین قره سو در غرب استان گلستان پر از آب شود. به گزارش ایرنا هر چند این بارش دبی اندک و روان آب حداقلی این رودخانه در طول سال را جبران نمی کند، اما بر زخم کهنه خشکسالی رودخانه مرهمی است. زباله ها و پسماند های شناور در سطح آب از دیگر پیامد های این بارش بود، آلودگی آب رودخانه ها به انواع مواد شوینده و پساب های صنعتی از مشکلات فرا روی رودخانه های گلستان است.

رفیع الدین فارسی

علیرضا نوری-در لباب الالباب عوفی که شاید اولین تذکره ی شاعران فارسی باشد در باب یازدهم، شعرای آل سلجوق بعد از عهد معزی و سنجری (عراق) به قصیده ی زیبایی برخوردم از شاعری به نام رفیع الدین فارسی . حدس می زنم تشبیب قصیده ای طولانی باشد که عوفی از کل قصیده چشم پوشی کرده و همین مقدار را برای معرفی شاعر کافی دانسته است. قصیده ی دیگری هم بعد از این قصیده می آورد که آنهم قابل تامل و خواندنی است که در ادامه به آن خواهم پرداختم. اطلاع دقیقی ندارم که دیوانی از رفیع الدین تصحیح و چاپ شده است یا نه. من هر چه گشتم چیزی نیافتم. احتمالا از آن شاعرانی است که مثل خیلی از شاعران گمنام دیگر دیوانش یا از بین رفته است و یا در کتابخانه های ممالک دیگر خاک می خورد. عوفی در معرفی شاعر می نویسد:« الاجل رفیع الدین المرزبان فارسی، رفیع فارسی که فارس میدان بلاغت و اختر آسمان سعادت بود. شعر او در علو از عرش در گذشته و لطایف سخن از بساط نظم عنصری و رودکی در نَوَشته و این قصیده مصداق این دعوی و برهان این معنی است:

گل در رخ می چنان بخندید // کش مغز در استخوان بخندید
ساقی رخ چون عقیق بگشاد // ناگه به همه دهان بخندید
شد باغ زخنده اش چنان خوش // کاندر تن لاله جان بخندید
می نیز ز شادی ار چه پیر است // در روی گل جوان بخندید
از خنده ی این دو یار همدم // جان تازه شد و جهان بخندید
با لاله، عقیق، همسری جست // یاقوت میان کان بخندید
ای دوست بیا که چون رخ تو // گل بر مه آسمان بخندید
چون چشم من ابر زار بگریست // چون روی تو بوستان بخندید
رعد آمد و برکشید نعره // بیهوده و برق از آن بخندید
چندان بگریست ابر بر صبح // گز گریه اش ارغوان بخندید
آخر خورشید از ابر چون جام // در دست خدایگان بخندید
سلزان ملک ارسلان که تیغش // بر جوشن دشمنان بخندید
بر حاسد او زمانه بگریست // کان خنجر جان ستان بخندید
در معرکه چون گرفت نیزه // بدخواه ملک سنان بخندید» (عوفی، محمد، (۱۳۶۱)، از روی چاپ پروفسور براون، با مقدمه و تعلیقات علامه محمد قزوینی و سعید نفیسی، تهران: کتابفروشی فخر رازی، صفحه ی ۸۸۸).

قصیده ای پر شور و طرب انگیز با وزن مفعولُ مفاعلن فعولن که ضرباهنگ شاد و ریتم تندی دارد. تشخیصی که در کل قصیده نقش اصلی را بازی می کند ردیف واقعی و پنهان شعر است.حال این ردیفِ پنهان در کنار « خندید»، ردیف ظاهری شعر فضایی به وجود آورده است که همه ی کلمات در حال حرف زدن و خندیدنِ توامان هستند. انگار زنی زیبا هم دارد حرف می زند و هم با حرف زدن می خندد. یاد مصرعی از حافظ افتادم:«سخنت رمز دهان گفت، کمر سر میان». حافظ نمی گوید که منتظرم ببینم تو – معشوق- چه می گویی من به فرم لب های تو موقع حرف زدن نگاه می کنم. مهم نیست چه می گویی مهم فرم لب های تو و شکل لبهات موقع حرف زدن است. اگر دنبال نمونه های دیگر این نوع شادی و شعف باشیم جز در مواردی مانند شعر منوچهری و نظامی کمتر به چنین شورانگیزی یی بر می خوریم. شاید ردیف « خندید» در این نشئه بی تاثیر نباشد.

اما نمی توان چیدمان و همنشینی پر از حس و عاطفه ی کلمات را نادیده گرفت. این وصف و نوع طربناکی آن بیشتر در بهاریه ها دیده می شود. تحلیل ادبیات غنایی که بهاریه ها هم جزیی از آن محسوب می شوند در کنار حزن و اندوه تاریخی، می تواند واجد خصلتی دوگانه باشد و بتوان دو نوع شادی یا شادخواری را در شعر فارسی از هم متمایز کرد. اول شادی حاصل از زیست و شرایط روحی و روانی شاعر که این نوع از شادی اغلب در شاعران سه قرن اول شعر فارسی یعنی قرن چهار، پنج و شش دیده می شود. و نوع دیگر که شاعر با توجه به فقدان شادی در درون و بیرون خود به دنبال احضار آن در شعر می رود مانند شاعران دوره ی عراقی. البته هیچگاه نمی توان خط فاصل قاطعی بین این دو رویکرد کشید اما به طور کلی شاید بتوان چنین خطی را فارغ از هرگونه داوری ارزشگذارانه ای در شعر فارسی ترسیم کرد.

در ادامه ی همین قصیده، عوفی قصیده ی دیگری از رفیع الدین می آورد با ردیف« بنفشه»:

از گل و سوسن نمود یار بنفشه // دایره شد گرد لاله زار بنفشه
روی دلافروز یار تازه بهار است // نیست عجب خاصه در بهار بنفشه» (همان)

بلافاصله ذهنم رفت سمت شعر شاملو:

«ـ نازلی! بهار خنده زد و ارغوان شکفت.
در خانه، زیر پنجره گل داد یاس پیر.
دست از گمان بدار!
با مرگ نحس پنجه میفکن!
بودن به از نبود شدن، خاصه در بهار . . .»

نمی دانم شاملو این قصیده ی رفیع الدین فارسی را دیده است یا نه. اما « خاصه در بهار» چقدر خوب و دقیق در هر دو شعر نشسته است.

برگردیم به قصیده اول. در دیوان قصاید و غزلیات نظامی، تصحیح سعید نفیسی در صفحه ی ۲۹۱ سه بیت از این قصیده هست:

گل در رخ می چنان بخندید // کش مغز در استخوان بخندید
شد باغ ز خنده اش چنان خوش // کندر تن لاله جان بخندید
چندان بگریست ابر در صبح // کز گریه اش ارغوان بخندید

معلوم نیست این سه بیت را اول نظامی سروده بعد رفیع الدین فارسی آن را ادامه داده یا نه شعر از رفیع الدین فارسی است و بعدها کاتبان و نسخه نویسان چند بیت از آن را در بین اشعار نظامی گنجانده اند.سعید نفیسی در مقدمه کتاب اشاره می کند که هر کدام از شعرها را از منابعی جمع کرده است که برای این سه بیت سه منبع ذکر می کند:

_۱گنجینه ی گنجوی یا دفتر هفتم حکیم نظامی گنجوی- چاپ مرحوم وحید دستگردی طهران ۱۳۱۸
۲_هفت اقلیم امین احمد رازی
۳_ مجمع الفصحا تالیف رضا قلی خان هدایت.

آنچه برای من در این قصیده اهمیت دارد نوع شادی آن است. زیست انسان ایرانی همواره با همین اندک شادی ها توانسته از پس تاریکی و جهل عبور کند البته اگر عبور کرده باشد.

در لباب الالباب رفیع الدین دیگری هم هست به نام رفیع الدین لبنانی یا لنبانی که دیوانش به اهتمام تقی بینش در سال ۱۳۶۹ توسط انتشارات نقش جهان چاپ شده است.

توارد، انتحال و تاثیرپذیری

لیلا درخش-سخن از انتحال که به میان می آید بی شک نخستین شاعری که در ذهن اهل شعر بیش از دیگر شاعران برجسته می شود خواجه حافظ شیراز است و تأثیر عمیق کمال الدین اصفهانی و سعدی خواجو و خاقانی و ... از نظر لفظ و معنا بر غزلش.

به طور مثال در شعر خواجو می خوانیم :« ولوله از جان شیخ و شاب برآمد «

و حافظ همین مضمون را چنین می سراید:« خروش و ولوله در جان شیخ و شاب انداز «

یا در دیوان خاقانی می خوانیم :« گیسوی چنگ و رگ بازوی بربط ببرید«و حافظ چنین می فرماید:«گیسوی چنگ ببرید به مرگ می ناب«

یا حتی واضح تَر از این برداشت ها می توان به دو مصرع زیر اشاره کرد:

خاقانی:الصبوح الصبوح کآمد یار
حافظ: الصبوح الصبوح یا اصحاب

یا شباهتهای لفظی و معنوی از اشعار عطار:« همه کس طالب یارند ولیک مفلسی مست پدیدار کجاست (دیوان، ص ۲۱) «

و حافظ همین لفظ ومعنا را چنین می سراید:«همه کس طالب یارند چه هشیار چه مست «

یا وقتی از این بیت نظامی:«هم قصه نانموده دانی
هم نامه نانوشته خوانی (لیلی و مجنون، ص۴)«

حافظ چنین الهام می گیرد: « که هم نادیده می بینی و هم ننوشته می خوانی» یا استقبال از ابیات متعدد سعدی مانند:« جز این قدر نتوان گفت بر جمال تو عیب - که مهربانی از آن طبع و خو نمی‌آید» که حافظ همین مضمون را چنین می سراید :« جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب - که وضع مهر و وفا نیست روی زیبا را»

یا شعری چنین از کمال‌الدین اسماعیل را:«خامش چو پیاله با دل خونین باش/تا چند چو چنگ ناله سردستی»

حافظ با این تغییرات می سراید:«با دل خونین لب خندان بیاور همچو جام نی گرت زخمی رسد آئی چو چنگ اندر خروش»

یا بیتی را که عراقی چنین سروده :« خروش و ولوله از جان عاشقان برخاست»

حافظ بدین شیوه می سراید:«خروش و ولوله در جان شیخ و شاب انداز»که بی شک هیچ یک از این شاعران بایک شعر وچند بیت بر دیوان حافظ تاثیر نگذاشتند چنانچه گاه محبوب ترین غزلهای حافظ با تغییراتی اندک در دیوان شاعران پیش از او باعث شگفتی هر اهل شعری می شود .اما از آنجا که ما عادت به بت سازی داریم و شاعران به سرعت جزو مقدسات می شوند نتیجه ی تحقیق مان می شود استقبال حافظ از پیشینیان .و هرگز این آسیب را به طور جدی بررسی نمی کنیم که این استقبالها تا چه حد مانع دیده شدن شعر شاعری پیش از حافظ شد؟یا به عبارتی حافظ این محبوبیت را که به راحتی با تاثیر از شاعران پیش از خود به دست آورده چرا به ندرت از صنعت تضمین و حفظ نام شاعربهره برده؟همین نگاه متعصب ما باعث شده تا شاعران دیگری تا همین امروز هم در پاسخ به انتقاد از سرقت ادبی توجیهی نه چندان موجه داشته باشند .البته حافظ خلاق است و خود قریحه ای قوی وطبیعی لطیف دارد در حالی که تاریخ ادبیات در مقوله ی سرقت ادبی شاعرانی چون کاظم غواصی را به خود دیده که اشعار حزین لاهیجی را عینن از آن خود می خوانده و شاعران هم عصر خود را از شهریار گرفته تا نیما را به وجد وتحسین وادارمی کرده تا زمانی که شفیعی کدکنی پرده از راز تخلص غواص بر می دارد .به طور مثال:

خون تو «حزین» تا به رَهِ عشق نخوابد
هر لاله ز خاکِ تو گواهی شد و برخاست.
تا خون تو «غوّاص» درین راه نخوابد
هر لاله ز خاکِ تو گواهی شد و برخاست

یکی از ریشه های اصلی این معضل به زعم نگارنده در ادبیات ما بیشتر به عدم وجود شیوه ی ثبت و پس از آن نبود شیوه ی صحیح تحقیق بر می گردد .این کمبود تا آنجاست که صادق هدایت در ستون روزنامه ،اشعاری را به نقل از شاعری فرانسوی به چاپ می رساند که دست بر قضا مورد توجه مخاطبان قرار می گیرد وبعدها خود هدایت به مدیر مسول روزنامه اعتراف می کند که چنین شاعری اصلا وجود خارجی ندارد. .یا همه ی ما بارها در زمینه ی تحقیق با مقوله ی ابیات منتسب به شاعری مواجه شده ایم .اما امروزه نه عصر انوری ست که نقل می کنند روزی در حال عبور از کویی شعری از خود را می شنود و از خواننده ی شعر می پرسد شاعر این ابیات کیست ?و او در پاسخ می گوید:انوری! سپس انوری می پرسد :اورا می شناسی ?که شخص مدعی می شود ،خودم هستم .نه عصر سعدی و خواجو وحافظ است که همگی قریحه ای از لطیف دارند و سوادی بسیط و بااین حال از شاعران پیشین و هم عصر خود تاثیر گرفته اند .بلکه امروزه «عصر کپی پیست های مجازی ست « با «شوآف های پس از آن»که افراد بی بهره را به راحتی از هیچ به اوج می رساند .این در حالی ست که امروزه می توان از همین امکانات فضای مجازی راهی صحیح برای ثبت آثار افراد به وجود آورد.

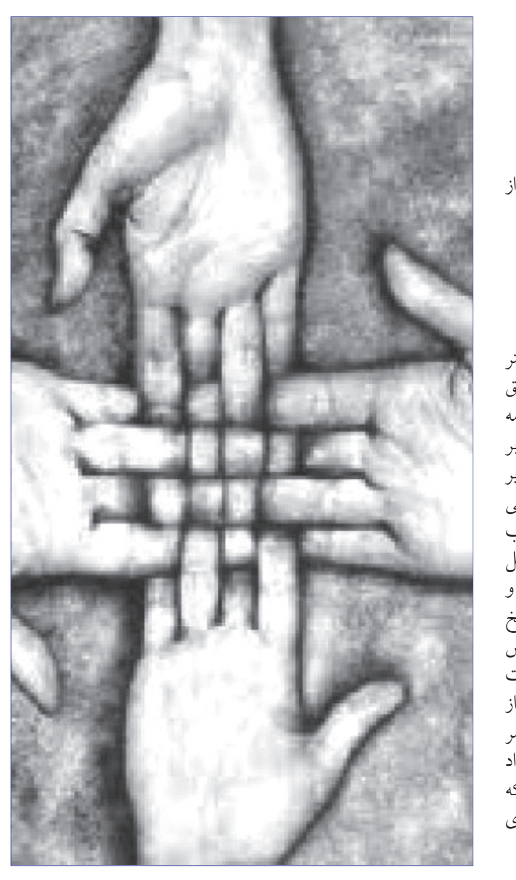

فیلم‌بازی

تحلیلی بر فیلم whiplash

شایان طالع ماسوله-محصول سال ۲۰۱۴ – نویسنده و کارگردان: دیمین چزل. بازیگران : مایلز تلر ، جی. کی. سیمونز، جیسون بلر، ملیسا بنویست و آستین استول.

آنچه مرا نکشد، نیرومندترم می‌سازد؛ این را در مدرسه جَنگِ زندگی آموخته‌ام.
با زخم زدن جان‌ها می‌بالند، مردانگی‌ها می‌شکفند.

غروب بت ها / فریدریش نیچه

نمایش خیره کننده و هیجان انگیز از کارگردان آمریکایی دیمین چزل داستانیست درباره این که چگونه انسان های موفق و بزرگ از دل سختی ها، تحقیرها و شکست ها بسان ققنوسی از درون خاکستر و آتش پرواز کرده و به اوج می رسند.

فیلم با صحنه مواجه شاگرد سال اولی (اندرو نیمن با بازی مایلز تلر) و استاد سرشناس هنرستان موسیقی (فلچر با بازی درخشان جی. کی . سیمونز) شروع می شود. مواجهه دو سوژه و خودآگاهی؛ اعتماد به نفس استاد از طرفی و استرس و ترس و شوق شاگرد از طرفی دیگر.

هگل در پدیدارشناسی روح از مواجه دو خودآگاهی و بازشناسی (ارج شناسی) این دو نسبت به یکدیگر سخن می گوید.

او می گوید: خودآگاهی تنها در یک خودآگاهی دیگر است که به رضایتش دست می یابد. بنابراین همانطور که خودآگاهی می کوشد تا اراده اش را بر خودآگاهی دیگر تحمیل کند، آن خودآگاهی هم می کوشد که همین کار را انجام دهد. پس این رابطه سرانجام به ستیزی (جنگ و ترس) خواهد انجامید. که تنها زمانی رفع می گردد که یکی از آن دو شکست را بپذیرد. این ستیز میان دو خودآگاهی به این دلیل نیست که خودآگاهی می کوشد تا اراده اش را بر دیگر خودآگاهی تحمیل کند، بل به این دلیل است که او (من یا تو) به دنبال تامین بازشناسی از جانب دیگریست.

(هگل و پدیدارشناسی روح، استرن، اردبیلی و سیدی. ص ۱۶۴-۱۶۵)

به بیان هگل : خودآگاهی زمانی در خود و برای خود، و به واسطه این حقیقت، وجود دارد که برای دیگری نیز وجود داشته باشد. یعنی وجودش صرفا مرهون به رسمیت شناخته شدن از جانب دیگریست. (همان صفحه)

اندرو نیمن دانش آموز سال اول و نوازنده جاز (درام) در هنرستان معتبر Shaffer در نیویورک است. او از نوجوانی درام می نوازد و می خواهد مانند درامر اسطوره ای بادی ریچ (Buddy Rich) باشد. ترنس فلچر، سرپرست و معلم مشهور، او را به گروه خود به عنوان جایگزینی برای کارل تنر درامر اصلی دعوت می کند. فلچر استادی نکته بین و دقیق است، و البته برخوردهای خشن و توهین آمیزش با دانش آموزان معروف است. زمانی که گروه قطعه «Whiplash» را تمرین می کند فلچر از نیمن می خواهد که پشت درام نشسته و قطعه را بنوازد، نیمن نمی تواند سرعت ریتم را آنطور که او می خواهد حفظ کند. بنابراین فلچر صندلی را به سویش پرتاب کرده و به او سیلی می زند و در کلاس و جلوی دیگران تحقیرش می کند.

در رقابت های جاز، اندرو پوشه حاوی نت های کارل تنر (درامر اصلی) را گم می کند و از آنجا که کارل بدون نت ها نمی تواند قطعه را بنوازد، اندرو جایگزین او می شود، زیرا اندرو این قطعه را بسیار تمرین کرده و از حفظ می نوازد. پس از اجرای موفقیت آمیز، فلچر او را به درامر اصلی گروه ارتقا می دهد. اما پس از مدتی فلچر، رایان کانولی، درامری از کلاس پایین تر از اندرو را به گروه اضافه می کند. اندرو معتقد است که کانلی بی استعداد است و زمانی که فلچر، او را جایگزین اندرو و درامر اصلی گروه می کند، از این بابت خشمگین می شود. اندرو برای بازپس گیری مقام از دست رفته اش بسیار تمرین می کند وحتی وقتی از دستانش خون می چکد باز هم تمرینش را متوقف نمی کند و روند زندگی اش را در این مسیر قرار می دهد، تلاش و سختی بسیار باعث می شود که باز هم جایگاه خودش را بدست آورده و درامر اصلی گروه می شود.

این روند ادامه دارد تا آنجا که گروه خودش را برای مسابقه دیگری آماده می کند، در مسیر مسابقه، اتوبوس اندرو خراب می شود و او برای اینکه بتواند خود را در زمان مقرر به مسابقه برساند اتومبیلی اجاره می کند، اما با این حال دیر رسیده و متوجه می شود که چوب های نوازندگی اش را در دفتر اجاره اتومبیل جا گذاشته؛ فلچر به اندر می گوید برود و چوب هایش را بیاورد و اگر به موقع خود را به اجرا نرساند از درامرهای دیگر استفاده می کند. اندرو با عجله سوار اتومبیل شده و با استرس فراوان و سرعت زیاد رانندگی می کند، اما در این بین با کامیونی تصادف کرده و مجروح می شود. با این حال، خونین و مجروح خود را به اجرا می رساند. اما از آنجا که صدمه دیده است نمی تواند قطعه موسیقی را آنطور که باید، بنوازد و فلچر اجرا را متوقف می کند. این عدم تایید و بازشناسی متقابل شاگرد از جانب استاد، باعث عصبانیت اندرو شده، او به فلچر حمله ور می شود و این دو با یکدیگر درگیر می شوند. به تبع این اتفاق نیمن از هنرستان اخراج می شود. تا اینجای فیلم نبرد برای تایید خود در نزد دیگری نا تمام مانده و مخاطب هنوز منتظر است که داستان به گونه دیگری تمام شود.و اما در ادامه داستان، اندرو به در خواست پدرش، با یک وکیل ملاقات می کند. او و وکیل خانواده دانش آموز سابق فلچر است. بر خلاف ادعای فلچر که شان (دانش آموز سابقش) در یک تصادف درگذشته، وکیل توضیح میدهد که او به علت همکاری با فلچر و توهین ها و برخوردهای سرزنش آمیز او و افسردگی حاصل از آن خودکشی کرده. پدر و مادرش می خواهند از فلچر شکایت کنند. اندرو با این شرط که فلچر متوجه نشود، بر علیه او شهادت می دهد. در پی این اقدام فلچر نیز از هنرستان اخراج می شود.

چند ماه بعد، اندرو که موسیقی را رها کرده و در یک رستوران کار می کند، فلچر را در یک باشگاه جاز می بیند. بعد از اجرا، فلچر از اندرو دعوت می کند تا با او نوشیدنی بنوشد. او توضیح می دهد که او دانشجویان خود را تحت فشار قرار می داد تا بتوانند در آینده به موزیسین های بزرگی تبدیل شوند. پس از این توضیحات، فلچر از اندرو دعوت می کند تا به گروه موسیقی جازش و برای اجرایی سرنوشت ساز که در آن تهیه کنندگان موسیقی نیز حضور دارند ملحق شود. اما در روز اجرا قبل از شروع، فلچر رو به نیمن کرده و به او می گوید: «فکر می کنی نمی دونم اون کار تو بود» [اشاره به شکایت نیمن از فلچر و اخراج او از هنرستان]

فلچر پس از خوش‌آمدگویی به حضار، قطعه ای را برای شروع معرفی می کند که نت آن را به نیمن نداده و نیمن نمی داند آن قطعه را چگونه بنوازد، بنابراین اجرای بسیار ضعیفش باعث می شود که در آن جمع تحقیر شود، و با ناراحتی صحنه را ترک می کند و پدرش که در میان تماشاچیان است به پشت صحنه رفته و دلداریش می دهد، اما اندرو کار ناتمامی دارد. هنوز بازشناسی و ارجشناسی او از جانب دیگری (استاد، پدر، تماشاچیان و حتی خودش) محقق نشده است.

گویی فلچر در این مبارزه پیروز گردیده است.

بنابراین نیمن پس از اندکی تامل با عزمی جزم به صحنه باز می گردد و بی آنکه با فلچر هماهنگ کند قطعه «Caravan» را می نوازد و دیگر نوازندگان و فلچر را مجبور می کند که با او همراهی کنند. اما پس از پایان قطعه و خاموش شدن پروژکتورها، اندرو متوقف نمی شود، فلچر ابتدا می ترسد و به او می گوید که چرا متوقف نمی شود. اما اندرو با تبحری خارق العاده به نواختن ادامه می دهد، نواختن او تحسین حضار و همینطور استاد را به دنبال دارد. اینک فلچر نیز به ارجشناسی (بازشناسی) متقابل در برابر اندرو وادار گشته، بنابراین او ادامه نواختن اندرو و گروه را هدایت می کند و درآخر، فیلم با نمایی بسته از دو سوژه (اندرو و فلچر) و لبخند متقابل شاگرد و استاد به پایان می رسد.

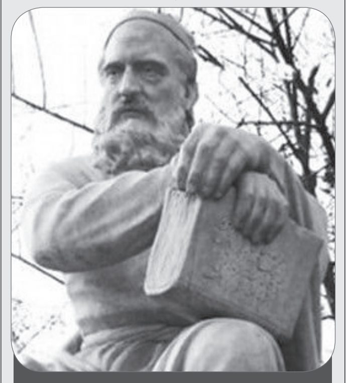

سالروز حکیم عطار نیشابوری گرامیباد

شعر

سروده ای از علی جهانگیری

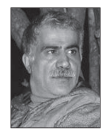

بهتر از همه می شناسمت
تویی که چهره نداری
از ابر و باد می تراشیدمت اگر
می توانستی باشی و نباشی
می توانستی مثل اشک
سرچشمه ی تمام رودها باشی
می توانستم هر چیز را ببوسم
وقتی که تنها تو را می خواستم

سروده ای از منصور خورشیدی

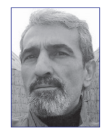

چند بهار بالغ
اشتیاق رویدن را
در تو بیدار می‌کند
تا کوکبه‌ی خیال
منظر زیباترین رنگ
در نگاه معصوم ماه
آبستن عقیق شود

وقتی هوای رمنده
در گونه‌های برگ
شکل پروانه‌های دیوانه
در آسمان سیاه
سفیر پنهان چشم
برای تماشاست

سروده ای از عباس فرهادی

من از عروسک های وهم انگیز می ترسم
از دخترانِ عاشقِ پاییز می ترسم

با چشمک زنهای چشم آبی نمی ترسم
از انحنایِ هر نگاهِ تیز می ترسم

مثلِ کلاغ خسته ای از قصّه های شب،
از این مترسک هایِ بی جالیز می ترسم

یک سایه ی کمرنگ در خوابم همیشه هست،
از سایه هایِ خیره یِ شبخیز می ترسم

هرچند می گفتی که تنها دوستَم داری
از «دوست دارم»هایِ بی جا نیز می ترسم

موجی تمام ردّ پایِ ساحلم را شست،
شک کرده اَز شن-ماسه هایِ لیز می ترسم

مثلِ گلِ بی بو که از زنبور می ترسد،
منَ از گلِ خوشبوی حلق آویز می ترسم

فنجانِ سردِ چشم در راهَت چه می پرسید:
از صندلیِ خالیِ این میز می ترسم؟!

وقتی که می آیی شبیه عشق قاجاری،
از استکانِ قهوه یِ لبریز می ترسم

ای ماه! هرجا می روی، شب ها و لی برگرد،
یادت نمی آید شب از یک چیز می ترسم؟!

از برگ های عاشقِ پاییزِ بارانی،
مثلِ درختِ باغِ رستاخیز می ترسم

ای کاش! حرفِ مادرم را گوش می کردم:
فریاد می زد از عروسِ هیز می ترسم...

[ای کاش! حرفِ مادرت را گوش می کردی:
می گفت: از دامادهایِ هیز می ترسم]